



علی مسیو

مرحوم دوافروش به این واقعیت تاریخی، خوب پی برده بود که هیچ ملتی نمی تواند از استقلال و آزادی برخوردار شده و به تمدن و پیشرفت برسد مگر این که افراد ملت دارای بینش وسیع و رشد عمیق اجتماعی باشند. بنابراین حاج علی دوافروش شهید راه انقلاب در ترویج معارف بویژه در زمینه ی تعلیم و تربیت نوجوانان از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد



حاج علی دوافروش

میرزا اسماعیل نویری، حاج میرزا آقا بلوری به منزل ثقه الاسلام رفته و با خلع سلاح مجاهدان موافقت کرده و شب پنجم ماه محرم که بزرگان رزمندگان جنگ چهارروزه از قبیل امیرحشمت نیساری، میرزا اسماعیل امیرخیزی، اسماعیل یکانی و مشهدی محمدعلی خان داروغه و... از تبریز خارج و رهسپار کشور عثمانی می شوند و از طرفی به روس های تزاری در تبریز نیروهای تازه نفسی از ایروان رسید، بگیمر و ببند راه می افتد و قبل از همه شیخ سلیم را که نتوانسته بود از پناهگاهش فرار کند، دستگیر می کنند و با برادرش آقا کریم به میدان مشق و سر بازخانه روس ها می آورند و برادرش را مصلحتاً گناهکار ندانسته و به علت بیگناهی آزاد می کنند ولی این خطیب شهیر و این دانتون انقلاب ایران را همراه ثقه الاسلام شهید و هفت تن دیگر به دار می آویزند و عاشورای دوم در تبریز بر پا می شود. شیخ سلیم یا «شیخ الاحرار» از جمله آزادی خواهانی است که چراغ خانوادگی اش به کلی خاموش شد. وی رأساً از روستا برخاسته و صفات صادقانه و بل ساده دلانه ده نشینان را داشت. با صداقت خدمت کرد و با صداقت بالای دار رفت.

تکیه کلام شهید شیخ الاسلام برای مبارزان تبریزی و کسانی که مردد و دودل بودند با زبان ساده روستایی این بود: «کاسبی بوانده کباب» یعنی ای کاسب فقیر، کباب به پهنای دست خواهی خورد. پس از پیروزی انقلاب مشروطه بعدها در بازار تبریز در غذاخوری ها کباب خوشمزه و لذیذ را کباب شیخ سلیم «شیخ سلیم کبابی» می گفتند.

**علی مسیو: بازارگان مشروطه خواه**

علی مسیو این شخصیت کم نظیر تاریخ معاصر آذربایجان بدون تردید برجسته ترین رهبر سیاسی انقلاب مشروطیت و یک مغز متفکر و سازنده انقلابی بود. تشکیل مرکز غیبی تبریز به همت وی که در واقع تشکیلات زیرزمینی و انقلابی و مرکز سازماندهی مردم تبریز به شمار می رفت، محصول دوراندیشی وی بود.

شادروان علی مسیو فرزند حاج مهدی حدود سال ۱۲۴۵ هجری شمسی برابر ۱۲۸۴ قمری در یک خانواده بازارگان در محله نویر تبریز پا به عرصه حیات گذاشت. پدرش علاوه بر وی دارای یک پسر و یک دختر بود. کارش ترخیص کالا از گمرک بوده و زمانی نیز معدن نمک را در اجاره داشت. وی به عثمانی، اتریش، قفقاز و فرانسه مسافرت کرده و به زبان فرانسه آشنایی داشت و تاریخ انقلاب کبیر فرانسه را خوب می دانست که به همین جهت او را مسیو می گفتند. این بازارگان روشنفکر بیداردل و دنیادیده برای قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان، در تبریز کارخانه چینی سازی دایر کرد.

زنده یاد علی مسیو حین سفر به نقاط مختلف دنیا با اغلب انقلابیون و آزادی خواهان جهان ملاقات کرد و در نتیجه این تماس ها و دیدارها با مبارزان قفقاز و ترکیه و مطالعات تاریخی،

ضرورت انقلاب در وی نضج گرفت و رشد کرده، او را به یک انقلابی تمام عیار تبدیل کرد. وی از استعداد مدیریت تشکیلاتی قوی برخوردار بود و توانست در رهبری نهضت مشروطیت نقش بسیار مهم و خلاق را ایفا کند.

«ادوارد براون» در کتاب «نامه های بی از تبریز» درباره این شخصیت چنین می نویسد: «کر بلاسی علی معروف به مسیو (Monsieu) از آزادی خواهان و روسای مشروطه طلبان قدیم بود. مدت ها در استانبول اقامت داشته است. در تبریز کارخانه چینی سازی داشته بعد از پیروزی مشروطیت وی از بهادران مشروطیت نشد و در ایام انقلاب مشروطه، رئیس کل و ریش سفید مجاهدان تبریز بود.

وی بسیار طرف دشمنی و عداوت با روس ها بود و او را پیر مجاهدان می نامیدند. بسیار جسور، مدیر، فعال و فداکار و شخص مدبری بوده و از مدیران بزرگ انقلاب در آذربایجان محسوب می شد. علی مسیو نه از تهدید می ترسید و نه تطمیع او را رام می کرد.»

کریم ظاهرزاده بهزاد که خود یکی از مجاهدان و دست پرورده این مرد با تدبیر بود، در باره رهبر مرکز غیبی تبریز می نویسد:

«روح شاد ای مرد فدایی ایران پرست که تو کلیه حیات و لذایذ دنیوی و خوشی های بشری را در راه آزادی فدا کرده و به اعلا ترین مقام و منزلت انسانیت رسیدی.

آن شادروان یک انقلابی تمام عیار بود که در راه آزادی هموطنانش از جان و مالش گذشته سه پسرش به نام حاجی خان، قدیر و حسن توسط روس ها به دار آویخته و شهید شدند و خانه اش هفت بار غارت شد.»

در این میان قدرت های کثیف استعماری با هیچ گونه فریب و تزویر نتوانستند این رهبر صدیق و همیشه بیدار را به سازش بکشانند. لذا جنایتکاران بین المللی وی را به یک میهمانی دعوت کرده و در نهایت ناجوانمردی میهمان خود را مسموم کردند و این دلیر مرد آذربایجان در ۴۴ سالگی به سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۳۲۸ قمری) از پا درآمده و رخت از جهان هستی بریست و در گورستان محله نویر به امانت گذاشته شد، سپس به شهر قم انتقال یافت و در این شهر مقدس به خاک سپرده شد.

**شهید حاج علی دوافروش**

حاج علی ترکی (از ترک میانه) معروف به دواچی، یکی از سران و پیشگامان نهضت مشروطیت در آذربایجان و دوم شخص مرکز غیبی تبریز بعد از شادروان علی مسیو بود که پس از سال ها تلاش و ایثار در راه حاکمیت قانون و برقراری آزادی، جان خود را در طریقت حریت و انسانیت و شرف و ناموس میهن خود فدا کرد و به خیل شهدای گلگون کفن وطن پیوست. وی یکی از اعضای اصلی هیات مدیره انقلاب مشروطیت در آذربایجان بود. چون مردی متفکر و سخنران و آزادی خواه و از جان گذشته بود او را «دانتون و سخنگوی انقلاب» نامیدند.